خارج اصول

جلسه45 \* یکشنبه 24/ 9/ 98

موضوع: اقسام واجب

بحث در استحقاق ثواب و عقاب در باب واجب نفسی و غیری بود. بحث به طهارات ثلاث رسید. دو سؤال مطرح شد به اینکه که چگونه طهارات ثلاث با امر غیری، عبادت اند و چگونه ثواب دارند؟ صاحب کفایه فرمود: امرِ نفسیِ استحبابی دارند. اما دو جواب از شیخ و یک جواب از محقّق رشتی نقل و نقد می کند.

جواب اوّل(شیخ)

وضو و غسل و تیمّم که عبارت اند از حرکات خاصّه ی خارجی، بعنوان حرکات خاص، مقدّمه نیستند بلکه بعنوان اینکه ما را به ذی المقدّمه می رسانند، مقدّمه اند؛ لکن قصد امر غیری بعنوان قصد امر غیری، مقدّمیّت آنها را تحقّق نمی بخشد بلکه عنوانی اجمالی برای آنها موجود است که ما نمی دانیم چیست؛ لذا امر غیری را قصد می کنیم و توسّط قصد امر غیری، آن عنوان مجهول را در نظر می گیریم؛ و بخاطر قصد آن عنوان، اینها عبادت می شوند. پس مکلّف قصد می کند امر غیری وضو را و توسّط این قصد، یک عنوان مجهول را در نظر می گیرد.

آخوند می فرماید: این جواب کافی نیست زیرا سلّمنا عبادیّت آنها تصحیح شود، ولی ثواب داشتن آنها تصحیح نمی شود.

جواب دوّم (شیخ)

عبادیّت طهارات ثلاث بخاطر آن است که نماز بدون طهارات ثلاث، تحقّق خارجی پیدا نمی کند و مکلّف نمی تواند نماز تام الأجزاء و الشرائط را اتیان کند مگر با وضو؛ لذا وضو رنگ عبادت پیدا می کند. زیرا تا اینها عبادت نباشند، نماز خارجی نیز عبادت نیست.

آخوند می فرماید: این جواب نیز کافی نیست.

جواب سوّم(محقّق رشتی)

طهارات ثلاث، دو امر غیری دارند: یکی برای عبادیّت و یکی برای مقدمیّت.

آخوند می فرماید:

عبادیّت عبادت، توسّط امر، تصحیح نمی شود زیرا مستلزم دور است؛ و دو امر نیز وجود ندارد تا عبادیّت توسّط امر دوّم تصحیح شود.

امّا خود آخوند در مقام جواب می فرماید: طهارات ثلاث امر نفسی استحبابی دارند.

امّا این فرمایش نیز اشکالاتی دارد:

مکلّف در هنگام وضو یا غسل یا تیمّم، قصد امر غیری دارد و نسبت به امر نفسی آنها غافل است لذا قصد امتثال امر نفسی ندارد پس باید طهارت باطل باشد که در نتیجه نماز نیز باطل می شود.

فرمایش محقّق نائینی[[1]](#footnote-1)

به نظر می رسد فرمایش محقّق نائینی اقرب به واقع است؛ ایشان می فرماید: در باب عبادات، امر به ذی المقدّمه همانطور که أجزاء را تبدیل به واجب نفسی می کند، شرائط را نیز تبدیل به واجب نفسی می کند. بعبارة أخری امر نفسی منحلّ می شود به چند امر: مثلاً صلّ عبارت است از: ارکع و اسجد و توضّؤ؛ همانطور که «ارکع» و «اسجد» عبادت می شوند، «توضّؤ» نیز عبادت می شود.

(پایان)

1. . (و التحقيق) في الجواب عن الإشكال ان يقال انه لا وجه لحصر منشأ عبادية الطهارات الثلاث في الأمر الغيري و في الأمر النفسيّ المتعلق بذواتها بل هناك امر ثالث و هو الموجب لكونها عبادة (بيان ذلك) ان الأمر النفسيّ المتعلق بالصلاة مثلا كما ان له تعلقا باجزائها و هو موجب لكونها عبادة لا يسقط امرها إلّا بقصد التقرب فكذلك له تعلق بالشرائط المأخوذة فيها فلها أيضا حصة من الأمر النفسيّ و هو الموجب لعباديتها فالموجب للعبادية في الاجزاء و الشرائط على نحو واحد. لا يبعد استفادة استحباب التيمم في نفسه لفاقد الماء من قوله عليه السلام التيمم أحد الطهورين بضميمة الإطلاقات الدالة على استحباب الطهر في نفسه‏. قد عرفت فيما تقدم ان الأمر المتعلق بالمقيد لا يكون له تعلق بنفس القيد أصلا و إلّا لم يبق فرق بين الاجزاء و الشرائط و لزم استحالة اتصاف الشرائط بالوجوب الغيري-

   أجود التقريرات، ج‏1، ص: 175 [↑](#footnote-ref-1)